

عنوان مقاله:

تطور آرای فلسفی پیرامون جایگاه انسان در حکومت.

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره 14، شماره 53 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

سعدالله ابراهیمی احمد آباد - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید مصطفی ابطی - گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مصطفی کواکبیان - گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

رابطه میان مردم و حکومت و نقشی که مردم در حکومت دارند از جمله مسائلی است که در فلسفه سیاسی مطرح می شود. در این پژوهش به تطور آرای فلسفی پیرامون جایگاه مردم در حکومت پرداخته شده و به طور مشخص نمایندگانی از آرای فلسفی از دوره باستان، تا دوره مدرن تحقیق شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که سهم و جایگاه مردم در آرای فلسفی دوره باستان و میانه محدود است. در دوره باستان نقش مردم به عنوان گروه های صاحب حق و یا اراده سیاسی به رسمیت شناخته نمی شود. همچنان در دوره میانه نیز این تفکر ادامه یافته است. در دوره مدرن برای نخستین بار به طور مشخص مردم فراتر از گروهی که حکومت در مورد آنها وظایف تربیتی و پرورشی و یا غلبه ای قاهر دارد؛ در فلسفه سیاسی ظاهر می شوند و مفاهیمی همچون قرارداد اجتماعی در نزد هابز و امانت داری در نزد لاک، حکومت را به مثابه تجلی اراده جمعی مردم معرفی می کنند. هابز، نوعی حکومت مطلقه را تجویز می کند، لاک، به فردیت اصالت می بخشد و دولت را به مثابه کارگزار مردم مطرح می کند. وبر، نیز مبتنی بر شکل های سه گانه اقتدار را نشان می دهد و رابطه حکومت و مردم در اندیشه او به صورتی از اقتدار پذیرفته شده است. اما کانت، با تمرکز بر جایگاه نوع انسان در حکومت و شاخصه هایی که برای آن نام می برد، حکومت جمهوری را تنها حکومت مشروع در جهان می داند.

کلمات کلیدی:

کلید واژه ها: تطور آرا، فلسفه سیاسی، دولت، جایگاه انسان، حکومت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1443529>

